



دانشگاه قم

دانشکده الهیات و معارف اسلامی

فقه و مبانی حقوق اسلامی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد

عنوان:

بررسی مبانی فقهی تصدی سمت‌های اجرایی توسط بانوان

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر سید یوسف علوی وثوقی

استاد مشاور:

سرکار خانم دکتر حمیده عبدالهی

نگارنده:

زینب یاراحمدی خراسانی

تابستان ۱۳۹۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم به:

بانوی دو عالم، مادر تمامی مؤمنان تاریخ، الگوی زنان حقیقت‌مدار و متعهد

صدیقه طاهره حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها)

تشکر و قدردانی

برخود لازم می‌دانم از راهنمایی‌های گرانقدر استاد فرهیخته حضرت حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر علوی وثوقی و نیز مشاوره‌های استاد ارجمند خانم دکتر عبداللهی نهایت تشکر و قدردانی خویش را ابراز نمایم. هم‌چنین از نکات ارزشمند استاد توانا حضرت حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر سیدعلی اصغر موسوی رکنی سپاسگزارم.

چکیده:

مشارکت سیاسی و اجتماعی بانوان در جامعه اسلامی و پذیرش مسئولیت اجرایی از موضوعاتی است که باید جواز یا منع آن را با توجه ادله شرعی مورد بررسی قرار داد.

در ضرورت این تحقیق باید گفت در فصل چهارم «منشور حقوق و مسئولیت های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران» چنین آمده است: «حق شرکت در انتخابات و انتخاب شدن در مجلس یا شوراهای مختلف و مشارکت در برنامه ریزی های دولتی و تصدی مدیریت های عالی با رعایت موازین.» با توجه بدین منشور، مبانی فقهی «تصدی مدیریت های عالی» توسط بانوان در این تحقیق جای می گیرد.

برخی فقیهان برای منع تصدی سمت های اجرایی توسط بانوان به آیات، روایات، ارتکاز متشرعه و اجماع تمسک جسته اند. قوام بودن مرد بر زن، روایات منع از مشورت و سلطه زن، ارتکاز متشرعه، مذاق شارع و اجماع فقیهان بر لزوم پرهیز زنان از سمت های اجرایی از مهمترین دلایل بر منع بانوان از تصدی سمت های اجرایی است. برخی دیگر از فقیهان و اندیشمندان بدین استدلال ها پاسخ گفته اند و بر اساس جواز مشارکت سیاسی زنان در جامعه اسلامی و اصل جواز تصدی هر فردی با شرایط و ضوابط آن در حکومت اسلامی، جواز تصدی سمت های اجرایی توسط بانوان را نتیجه گرفته اند.

هم چنین در تصدی سمت های اجرایی توسط بانوان باید رعایت حدود و ضوابط حضور اجتماعی و سیاسی و نیز نقش محوری زن در خانواده را مدنظر داشت.

کلید واژه: تفاوت زن و مرد؛ مشارکت سیاسی بانوان؛ مسئولیت اجرایی زنان؛ تصدی سمت های

اجرایی بانوان؛

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات	۱
تعریف مسئله و موضوع	۲
اهمیت و ضرورت تحقیق	۲
پرسش‌های تحقیق	۴
فرضیه‌ها	۴
پیشینه تحقیق	۵
روش و شیوه تحقیق	۶
اهداف تحقیق	۶
بخش نخست: تبیین اصطلاحات	۶
بخش دوم: اسلام و پذیرش مسئولیت	۱۰
بخش سوم: جایگاه زن در اسلام	۱۴
الف- نگاه یکسان اسلام به زن و مرد	۱۴
ب- اسلام و نهاد خانواده	۱۸
ج- جانبداری اسلام از بانوان	۲۱
د- اسلام و تفاوت تکوینی زن و مرد	۲۳
بخش چهارم: اصول اولیه عقلی در تشکیل حکومت	۲۶

بخش پنجم: مشارکت بانوان در امور اجتماعی و سیاسی	۲۹
الف- ادله جواز مشارکت سیاسی و اجتماعی	۲۹
ب- نمونه‌هایی از مشارکت بانوان در امور اجرایی	۴۴
فصل دوم: بررسی ادله	۵۰
۱) ادله قرآنی	۵۱
۱.۱. آیه قوامیت	۵۱
۱.۱.۱. وجه استدلال	۶۱
۱.۱.۲. تحقیق در مسئله	۶۹
۲.۱. آیه درجه	۷۲
۲.۱.۱. وجه استدلال	۷۷
۲.۱.۲. تحقیق در مسئله	۷۹
۳.۱. آیه حلیه	۷۹
۲.۳.۱. وجه استدلال	۸۰
۳.۳.۱. تحقیق در مسئله	۸۱
۴.۱. آیه تبرج	۸۱
۲.۴.۱. وجه استدلال	۸۲
۳.۴.۱. تحقیق در مسئله	۸۳
۲) ادله روایی	۸۵
۱.۲. روایات شیعه	۸۵
۲.۲. روایات اهل سنت	۸۶
وجه استدلال:	۸۷
۳.۲. بررسی روایات	۸۷

۳	ارتکاز قطعی متشرعه	۹۰
	بررسی و نقد:	۹۱
۴	حکم عقل:	۹۶
	بررسی و نقد:	۹۸
۵	اجماع:	۹۹
	بررسی و نقد:	۱۰۱
	فصل سوم: حدود و نحوه مشارکت	۱۰۵
	اصل اول: تفاوت‌های طبیعی زن و مرد بر اساس نظام احسن خلقت	۱۰۶
	اصل دوم: نیاز متقابل زن و شوهر	۱۰۷
	اصل سوم: محوری بودن خانواده و تربیت فرزندان	۱۰۸
	اصل چهارم: توجه به کرامت‌های اخلاقی	۱۰۹
	اصل پنجم: رعایت حدود شرعی	۱۱۰
	دستاورد	۱۱۱

فصل اول: کلیات

تعریف مسئله و موضوع

امروزه بنا به پیشرفت جوامع و فراهم بودن زمینه برای تحصیل و رشد بانوان، فضای کار و فعالیت‌های اجرایی در مقابل زنان قرار گرفته است و بستر مناسبی را ایجاد کرده تا زنان بتوانند بر خلاف گذشتگان خود سمت‌های اجرایی را قبول نمایند.

در جامعه اسلامی و با مدیریت دینی، نگاه به زن که ریشه در فقه اسلامی دارد، دارای حساسیت بسیاری است. حرمت و پاسداشت نقش زن ایجاب می‌کند که با حساسیت بیشتری فعالیت اجرایی زن مورد بررسی و کارشناسی قرار گیرد. از آنجا که هر سمت اجرایی در نظام اسلامی باید مستند به دین و مشروعیت داشته باشد، باید بررسی نمود که تصدی سمت‌های اجرایی توسط بانوان نیز همراه با منعی شرعی نباشد.

این نوشتار در صدد آنست که پاسخی مناسب بدین پرسش ارائه نماید که آیا تصدی و پذیرش سمت‌های اجرایی توسط بانوان، دارای منع شرعی از ادله دینی است یا آنکه زن می‌تواند در نظام اسلامی با رعایت ضوابط دینی در سمت‌های اجرایی به فعالیت بپردازد.

سمت‌های اجرایی یک طیف از شغل‌هایی با فعالیت و مسئولیت اجرایی است که در رأس آن می‌تواند ریاست جمهوری باشد و تا کارشناس اجرایی یک سازمان پیش رود.

اهمیت و ضرورت تحقیق

نیمی از جامعه اسلامی را زنانی فرهیخته و مؤمن تشکیل می‌دهد که می‌توانند در سرنوشت کشور سهیم باشند. می‌توان با توجه به ادله شرعی زنان با ایمان را در امر اداره اجرایی کشور دخالت داد و از این ظرفیت عظیم انسانی بهره جست. ورود بانوان به سمت‌های اجرایی یا ممنوع کردن آنها با رویکردی شرعی، دارای اهمیت بسزایی است و یک تحقیق فقهی درین باره می‌تواند بر فضای عمومی و نخبگانی جامعه اسلامی مبنی بر حضور بانوان در سمت‌های اجرایی و یا منع آنها از قبول این سمت‌ها، بسیار تأثیرگذار باشد.

در واقع این رساله، مبانی فقهی و استناد شرعی یکی از اصول مهم «منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران» را دستمایه تحقیق خود قرار داده است. گفتنی است شورای عالی انقلاب فرهنگی در جلسه ۵۴۶ مورخ ۱۳۸۳/۶/۳۱ به پیشنهاد شورای هماهنگی و اجتماعی زنان (نامه شماره ۱۲۵۹/ش ز مورخ ۱۳۸۳/۵/۱۲) منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران را تصویب کرد که تا کنون تغییری در آن رخ نداده است. در مقدمه این منشور آمده است:

منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران با الهام از شریعت جامع اسلام و نظام حقوقی آن و با تکیه بر شناخت و ایمان به خداوند متعال و با هدف تبیین نظام مند حقوق و مسئولیت‌های زنان در عرصه‌های حقوق فردی، اجتماعی و خانوادگی تدوین گردیده است. این منشور اهتمام بر تبیین حقوق و تکالیف زنان در اسلام داشته و مبتنی بر قانون اساسی، اندیشه‌های والای بنیانگذار جمهوری اسلامی و به منظور تحقق عدالت و انصاف در جامعه زنان مسلمان می باشد. این منشور با دیدی جامع و فراگیر تنظیم گردیده لذا مشتمل بر حقوق و تکالیف امضایی، تاسیسی و حقوقی حمایتی و نیز حقوق مشترک بین همه انسان‌ها است.»

اما مهم آنکه فصل چهارم این منشور به «حقوق و مسئولیت‌های سیاسی زنان» اختصاص دارد که در بخش «حقوق و مسئولیت‌های زنان در امور سیاسی داخلی» چنین آمده است:

«حق شرکت در انتخابات و انتخاب شدن در مجلس یا شوراهای مختلف و مشارکت در برنامه‌ریزی‌های دولتی و تصدی مدیریت‌های عالی با رعایت موازین.»

با توجه بدین منشور، مبانی فقهی «تصدی مدیریت‌های عالی» توسط بانوان در این تحقیق جای می‌گیرد.

از این‌رو در کشور بانوان به وزارت، مدیرکلی و معاونت‌های اجرایی راه یافته‌اند و همواره جامعه متدین و نیز فضای عمومی حوزه‌های علمیه با حساسیت این روند را دنبال می‌کنند. بنابراین شایسته است که در یک تحقیق فقهی بنابر فراخور توان نویسنده و بضاعت علمی وی، این موضوع

مهم و چالشی به بحث گذاشته شود. در یک جامعه اسلامی پیشرو تمام فعالیت‌های مدیران و نقش‌های اجرایی در نظام، باید مستند به دین باشد و نمی‌توان برای خوشایند کشورهای بیگانه و یا خرسندی روشنفکران و یا دلایل سیاسی و جذب توده‌ای، بدون نگاه دینی سمت‌های اجرایی را متوجه بانوان دانست، بلکه باید با بررسی موشکافانه و علمی بدین موضوع پرداخت.

پرسش‌های تحقیق

- آیا بانوان مسلمان می‌توانند در جامعه اسلامی مشارکت سیاسی و اجتماعی داشته باشند و این حضور چگونه است؟ در تاریخ اسلام چه نمونه‌هایی برای این مشارکت وجود دارد؟
- ارتکاز و سیره متشرعه و هم‌چنین مذاق شارع نسبت به عهده‌دار شدن مسئولیت اجرایی توسط زنان و نیز اجماع فقیهان درین باره چگونه ارزیابی می‌شود؟
- در پذیرفتن سمت اجرایی در حکومت اسلامی، جنسیت یکی از معیارهای اصلی است یا آنکه شرایط دیگری باید در فرد برای برعهده‌گرفتن مسئولیت وجود داشته باشد؟
- ضوابط و شرایط تصدی سمت‌های اجرایی توسط بانوان با توجه به نقش مهم بانوان در خانواده و نیز برقرای امنیت اخلاقی و روحی در جامعه چیست؟

فرضیه‌ها

- زن مسلمان می‌تواند با رعایت ضوابط اسلامی مشارکت اجتماعی و سیاسی داشته باشد و در تاریخ اسلام نمونه‌های فراوانی ازین دست وجود دارد. مانند بیعت زنان با پیامبر اسلام(ص)
- ارتکازی که در عصر معصوم شکل گرفته باید معیار برای فهم اراده شارع باشد و این ارتکاز نیز باید مستند به رفتار معصوم صورت گیرد. ارتکاز متشرعان در نفی تصدی

سمت‌های اجرایی توسط بانوان برگرفته از رفتار و یا قول معصوم نبوده بلکه ریشه در فضای عربی و عدم تجربه بیرونی مشخص در پذیرش مسئولیت‌های اجرایی توسط بانوان دارد.

- در نظام اسلامی، مهم صلاحیت دینی و علمی برای تصدی سمت‌های اجرایی است و بانوان می‌توانند در این سمت‌ها به ایفای نقش بپردازند. تفاوت در روحیه و احساسات میان مرد و زن، موجب برتری و فضیلت یکی بر دیگری نمی‌گردد و تنها موجب استحکام نهاد خانواده و تفاوت در نقش‌ها و حقوق آن می‌گردد.
- حدود و نحوه مشارکت زنان در امور اجرایی مطلق و رها نبوده و باید ضوابطی معطوف به کرامت اخلاقی و نقش محوری زن در خانواده و تربیت فرزند مدنظر داشت.

پیشینه تحقیق

در رویکرد فقهی به مسئله، فقیهان در بخش‌های قضا، امام جماعت نماز، ولایت فقیه، اجتهاد و تقلید به بیان این مسئله پرداخته اند که باید کسانی که در رأس این امور قرار می‌گیرند، مرد باشند و به ادله این مطلب پرداخته اند.

هم‌چنین مقالات محدود عربی یا فارسی درباره ولایت شرعی زن در امور اجرایی نگاشته شده است که از جمله می‌توان به مقالات محمدجواد ارسطا و یا علامه عبدالهادی فضل‌ی با نام «ولایت زن» اشاره نمود. اما در میان کتب فارسی منتشر شده، تا کنون هیچ کتابی به صورت مستقل و با نگاه فقهی و با بررسی ادله شرعی، تصدی سمت‌های اجرایی زن را مورد پژوهش خویش قرار نداده است.

روش و شیوه تحقیق

روش این تحقیق کتابخانه‌ای و مبتنی بر استفاده از تمامی منابع مکتوب و دیجیتالی است و همچنین از پایگاه‌های مرتبط با موضوع در اینترنت بهره برده شده است.

از منابع دسته اول حدیثی و فقهی و نیز پژوهش‌های مرتبط استفاده گردیده است. شیوه تحقیق بدین گونه بوده است که دیدگاه‌ها و نظرات تمامی اندیشمندان شیعه به‌ویژه معاصرین که کمتر مورد بازبینی و بررسی قرار گرفته است، نقل و مورد استناد قرار گیرد. به‌طور مثال از دیدگاه‌های علامه دکتر عبدالهادی فضلی از اندیشمندان بزرگ شیعه و یا استاد حیدر حب‌الله (مدرس خارج حوزه علمیه قم و سردبیر فصلنامه تخصصی الاجتهاد و التجديد) و همچنین آیت‌الله العظمی محمد اسحاق فیاض (از مراجع تقلید در نجف) در این تحقیق استفاده شده است و جالب آنکه به نظرات علامه فضلی در هیچ تحقیق منتشر شده‌ای اعم از مقاله یا کتاب استناد داده نشده است.

اهداف تحقیق

- پیشبرد مباحث فقه سیاسی و اجتماعی
- برطرف نمودن موانع شرعی برای حضور بانوان بدون انگاشته‌های سیاسی و تبلیغی در سمت‌های اجرایی
- بیان جایگاه والای فقهی زن و رفع نگاه جنسی از ادله شرعی

بخش نخست: تبیین اصطلاحات

در ابتدا، واژگان و اصطلاحات مرتبط با موضوع تحقیق، بیان می‌گردد:

تصدی: لغویان در ریشه این واژه اختلاف کرده‌اند؛ برخی آن را از ماده «صدی» دانسته‌اند که در واقع این واژه را ناقص یایی معرفی نموده‌اند اما در مقابل ایشان، مشهور لغویان آن را از

۱. فخر الدین طریحی، مجمع البحرین، تهران: کتابفروشی مرتضوی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۲۶۱؛ سید علی اکبر قرشی، قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۱۲۰.

«صدد»^۱ مشتق می‌دانند که در حقیقت این واژه مضاعف خواهد بود. اما این واژه از هر یک از ریشه‌های ذیل که باشد، به معنی توجه کردن، رو کردن و پذیرش چیزی است.^۲

مسئولیت و سمت اجرایی: در این نوشتار منظور از سمت اجرایی، خصوص فعالیت‌های اجرایی و مدیریتی است که در کشور به صورت شغل و پست سازمانی تعریف شده است. در تعریف شغل گفته شده: «منظور از شغل عبارت است از وظایف مستمر مربوط به پست ثابت سازمانی، یا شغل یا پستی که به طور تمام وقت انجام می‌شود. (تبصره ۲ قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل مصوب ۱۳۷۳/۱۰/۱۱) هم‌چنین شغل عبارت است از مجموع وظایف و مسئولیت‌های مرتبط و مستمر و مشخصی است که از طرف سازمان امور اداری و استخدامی کشور به عنوان کار واحد شناخته شده باشد. (از ماده ۷ قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳۴۵/۳/۳۱)

بنابراین مسئولیت و سمت‌های اجرایی می‌تواند مدیریت اجرایی در عرصه کلان یا خرد باشد مانند ریاست جمهوری، معاون اولی، وزارت، استانداری، فرمانداری، شهرداری، مدیرکلی، معاونت‌های اجرایی، مدیر بخش خاصی و یا کارشناسی که فعالیت اجرایی دارد و ... البته مسئولیت اجرایی می‌تواند در نهادها و بخش‌های مختلف حاکمیتی باشد و روشن است که مسئولیت اجرایی یک مجموعه، منحصر به فعالیت و برعهده داشتن مسئولیتی در قوه مجریه نیست. در نتیجه موضوع این نوشتار درباره «اشتغال به معنای فعالیت که به منظور تهیه و تولید کالا و خدمات اقتصادی انجام می‌شود»^۳، نمی‌باشد.

۱. اسماعیل (صاحب) ابن عباد، المحيط فی اللغة، بیروت: عالم الکتاب، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۱۶۹؛ حسین راغب اصفهانی، مفردات ألفاظ القرآن: ص ۴۸۱؛ ابوالفضل محمد بن منظور، لسان العرب، ج ۳، ص ۲۴۷؛ محب الدین سید محمد مرتضی حسینی واسطی زبیدی حنفی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۵۳.

۲. همان موارد؛ فخر الدین طریحی، مجمع البحرین، ج ۱، ص ۲۶۱؛ سید علی اکبر قرشی، قاموس قرآن، ج ۴، ص ۱۲۰.

۳. ر.ک: سید محمد رضا علویون، کار زنان در حقوق ایران و حقوق بین‌المللی کار، تهران: روشنگران، ۱۳۸۸، ص ۱۹.

در این نوشتار به مرجعیت زن نیز پرداخته نمی‌شود زیرا مرجعیت، دارای حیثیت اجرایی نیست بلکه منصبی دینی است که به صدور فتوا می‌پردازد و بر جامعه نظارت دینی دارد و در حقیقت مسئولیت و سمت اجرایی محسوب نمی‌شود.

هم‌چنین ولایت امر در جامعه اسلامی که رهبری نظام را برعهده دارد از موضوع این رساله خارج است. زیرا ولایت فقیه برخاسته از نصوص شرعی و نیابت از امام معصوم(ع) -در حوزه اداره جامعه اسلامی- می‌باشد. رهبری نظام اسلامی و ولایت سیاسی و اجتماعی، در حقیقت یک نهاد دینی است و سمت اجرایی به حساب نمی‌آید. موضوع این نوشتار به سمت‌هایی اختصاص دارد که حق صدور حکم شرعی ندارند و به‌طور مثال ریاست جمهوری اگر دارای ولایت اجرایی و تنفیذی است در واقع از جانب ولی فقیه چنین اختیاری دارد که با توجه به انتخاب اکثریت مردم، مقام اجرایی او امضا می‌شود. به بیان دیگر ریاست جمهوری، ولایت استقلالی بر جامعه اسلامی ندارد و تنها می‌تواند قوانین اسلامی و فرامین رهبری نظام اسلامی را -که در جهت مصالح ملت است- در جامعه تحقق بخشد و اجرا نماید.

بنابراین در سمت‌های اجرایی اساساً اعمال ولایت شرعی صورت نمی‌گیرد و مقام‌هایی که به اعمال ولایت در تقلید(مرجعیت) و یا اعمال ولایت در اطاعت(رهبری دینی) می‌پردازند در دامنه این تحقیق و بررسی ادله نیستند. البته روشن است که ریاست جمهوری یا هر مسئولیت اجرایی دیگر دارای ولایت قانونی است که بر اساس اختیاراتی که قانون کشوری برای او قرار داده است، قدرت نفوذ در جامعه دارد.

ولایت: این واژه از ریشه «ولی» گرفته شده است. با توجه به اینکه این واژه به دو گونه استعمال می‌شود، لغویان در تبیین مراد از آن اختلاف کرده‌اند؛ گروهی بر این باورند که «ولایت» و «ولایت» هر دو به معنی استقلال در تدبیر کار دیگری و کفایت او در زندگی و معیشت^۱ است؛

۱. حسن مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: مرکز الکتاب للترجمة و النشر، ۱۴۰۲ق، ج ۱۳، ص ۲۰۲؛ سیدعلی اکبر قرشی، قاموس قرآن، ج ۷، ص ۲۵۴؛ برای مطالعه بیشتر رک: قاموس المحيط، صحاح اللغة.

البته برخی لغویان اگرچه مانند قائلان این گروه، هر دو واژه را به یک معنا دانسته‌اند، اما معنی آن را نصرت و یاری می‌دانند؛^۱ گروهی نیز مانند ابن سکیت بدون اشاره به معنی «ولایت»، تنها به معنی «ولایت» اشاره کرده‌اند و آن را به معنی دلیل گرفته‌اند؛^۲ اما گروهی بر این باورند که این دو نحوه استعمال دارای دو معنای متفاوت و گوناگون است، این گروه در تفاوت معنایی این دو واژه دچار اختلاف شده‌اند؛ از میان این گروه راغب اصفهانی «ولایت» را به معنی نصرت و «ولایت» را به معنی تولی امر دانسته است؛ همچنین ابن سکیت بر این باور است که «ولایت» را به معنی تسلط و «ولایت» را به معنی نصرت و یاری می‌باشد؛^۳ سیبویه، «ولایت» را به معنی کاری که شخص پذیرفته است و «ولایت» را به معنی مصدر ماده «ولی» معرفی کرده است؛^۴ برخی مانند زجاج بر این باورند که «ولایت» را باید به معنی دلیل و «ولایت» را باید به معنی یاری و سبب دانست.^۵ در این میان برخی «ولایت» را به معنی دلیل و یاری معرفی کرده‌اند، و «ولایت» را تنها به معنی یاری می‌دانند.^۶

-
۱. سید محمد مرتضی حسینی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۲۰، ص ۳۱۰؛ ابوالفضل محمد بن مکرم ابن منظور، لسان العرب، بیروت: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع و دار صادر، ۱۴۱۴ق، ج ۱۵، ص ۴۰۷.
 ۲. همان موارد.
 ۳. همان موارد.
 ۴. همان موارد.
 ۵. همان موارد.
 ۶. اسماعیل بن حماد جوهری، الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیة، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۴۱۰ق، ج ۶، ص ۲۵۳۰.

چنانچه در ادامه مشاهده می‌شود، ولایتی که در فقه مطرح می‌گردد،^۱ به همان معنی «استقلال» در تدبیر کار دیگری و کفایت او در زندگی و معیشت است. نه به معنی نصرت و یاری. این اصطلاح در فقه دارای اقسام متعددی است^۲ که در مباحث ولایت فقیه، به آن پرداخته می‌شود.

بخش دوم: اسلام و پذیرش مسئولیت

پذیرش مسئولیت‌های اجرایی، قضایی و حکومتی، علی‌رغم آنچه عنوان مقام و منصب آن، برای برخی فریبنده و تنها رسیدن به سیمت، هدف است لیکن از نظر اسلام و اولیای آن امانتی است الهی که مسئولیت‌های بسیار خطیر و سنگینی را به دنبال دارد و به هر اندازه دامنه آن وسیع‌تر باشد مسئولیت آن بیشتر و سنگین‌تر است، چنان‌که امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در نامه خود به اشعث بن قیس که استاندار آن حضرت در آذربایجان بود نوشت:

«همانا حکمرانی تو برای تو طعمه نیست بلکه امانتی است بر

گردنت.»^۳

با توجه به این دیدگاه است که مواردی در سیره حکومتی حضرت علی (علیه‌السلام) مشاهده می‌گردد که برای بسیاری غیر قابل تحمل می‌ماند، برای نمونه به برخی این مطالب اشاره می‌گردد:

-
۱. برخی استعمالات این واژه در فقه عبارتند از: «۱- ولایت پدر نسبت به فرزند. ۲- ولایت جد پدری. ۳- ولایت مالک نسبت به مملوک (مولی و عبد). ۴- ولایت امام عادل (فقیه عادل) بر مسلمین. ۵- ولایت وصی بر مورد وصیت. ۶- ولایت وکیل در مورد وکالت. ۷- ولایت مجاز از طرف مالک، نسبت به مورد اجازه. ۸- ولایت شخصی که مال مجهول المالک را در اختیار دارد، نسبت به صدقه دادن آن به فقیر. ۹- ولایت مالک زکات، نسبت به عزل (کنار گذاردن) مقدار زکات از مجموع مال خود و دادن آن به مستحق و یا تبدیل آن به قیمت. ۱۰- ولایت مادر، نسبت به حق الحضانه (نگاهداری فرزندش). ۱۱- ولایت متولی اوقاف عام و یا خاص، نسبت به اموال موقوفه. ۱۲- ولایت ولی قصاص، نسبت به مقتول. ۱۳- ولایت دائن، نسبت به تقاص از اموال مدیون. ۱۴- ولایت مرتهن، نسبت به فروش مالی را که به رهن گرفته است.» (سیدمهدی موسوی‌خلخالی، حاکمیت در اسلام یا ولایت فقیه، ترجمه: جعفر الهادی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۲۲ق، صص ۲۲۰-۲۳۴)
 ۲. برای اطلاع از اقسام ولایت و توضیح آن‌ها رک: حسین علی منتظری، مبانی فقهی حکومت اسلامی، ترجمه محمود صلواتی، و شکوری، قم: مؤسسه کیهان، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۷۱.
 ۳. «ان عملک لیس لک بطعنة و لکنه فی عنقک امانة» امام علی (علیه‌السلام)، نهج البلاغة، نامه ۵.

«محدودیت سنگین، بزرگترین شاهکار علی (علیه السلام) در این دوران است. دیگر حتی از طبیعی ترین بهره‌وریهای انسانی، خبری نیست. نه از بیت المال، که در بهره‌وری از اموال شخصی خود نیز، بسیار محدودتر از گذشته عمل می‌کند. سخت‌گیری‌ها را از خود و خانواده آغاز می‌کند و انتظار دارد. دیگر از استراحت نیم‌روز هم، اثری نیست و گرمای سوزان نیمروز تابستانی نیز، نمی‌تواند بهانه شود، بلکه به داد مظلوم باید رسید.^۱»

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) چه زیبا و با صلابت در این زمینه می‌فرماید:

«من (از اموال شخصی ام نه از بیت المال) اگر می‌خواستم، می‌توانستم از غسل پاک، واز مغز گندم، برای خودم غذا، واز بافته‌های ابریشم، لباس فراهم آورم. اما هیئات که هوای نفس بر من چیره شود وحرص وطمع مرا وارد، که طعام‌های لذیذ را برگزینم، در حالی‌که در حجاز یا یمامه (آن دور دست‌ها) کس باشد (از مردمان فرودست) که آرزوی قرص نانی هم ندارد، و شکمی سیر به یاد نیارد، یا من سیر بخوابم و پیرامونم شکم‌هایی که از گرسنگی به پشت چسبیده و جگرهایی سوخته باشد؛ یا چنان باشم که شاعر گفت: این درد تو را بس که شب را با شکم سیر بخوابی درحالی‌که در اطراف تو جگرهایی سوخته باشد در آرزوی پوست بزغاله‌ای».^۲

۱. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۵۷.

۲. امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغة، نامه ۴۵.

امام باقر (علیه السلام) در توصیف پنج سال حکومت امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید:

«به خدا ... علی (علیه السلام) پنج سال حکومت کرد، و در این مدت آجری بر آجر، وخشتی بر خشت نهاد، و چیزی (به خویشاوندان و نزدیکان) بخشش نکرد، و طلا و نقره ای به ارث نهاد ... و کسی مانند او نتوانست کرد».^۱

در کتاب اصول کافی به سند صحیح از معلی بن خنيس روايت شده كه گفت: روزی به امام صادق (علیه السلام) عرض كردم: فدایت گردم به یاد آوردم آل فلان (بنی عباس) و بهره‌هایی كه از نعمت‌هایی دنیایی می‌برند. پس گفتم: ای كاش این (حکومت) به دست شما بود و ما با شما در رفاه و خوشی زندگی می‌کردیم، حضرت فرمود:

«هرگز ای معلی، اگر این‌گونه بود (حکومت به دست ما بود) چیزی نبود به جز سیاست (برنامه‌ریزی) در شب و تلاش مداوم در روز و پوشیدن لباس زبر و خشن و خوردن غذای خشك و آنان این را از ما دریغ ورزیدند. آیا تو هیچ ستمی را كه خداوند تبدیل به نعمت کرده باشد جز این مورد، مشاهده کرده‌ای؟»^۲

بنابر این در نگاه اسلام، پذیرش مسئولیت امری مهم و خطیری است كه با دقت و حساسیت زیادی همراه است و نباید ذره‌ای حق محرومی پایمال شود و یا مالی در آن اندوخته گردد.

۱. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۰، ص ۳۳۹ و ج ۴۱، ص ۱۰۲.

۲. «عن معلی بن خنيس، قال: قلت لأبي عبد الله (عليه السلام) يوما: جعلت فداك ذكرت آل فلان و ما هم فيه من النعيم، فقلت: لو كان هذا اليكم لعشنا معكم، فقال: «هيهات يا معلى، اما والله لو كان ذاك ما كان الا سياسة الليل و سياحة النهار و ليس الخشن و اكل الجشب، فزوى ذلك عتّا، فهل رأيت ظلامه قط صيرها الله - ﷻ تعالى - نعمة الا هذه؟» ابو جعفر محمد كلبيني، الكافي، تهران: دارالكتب الاسلاميه، ۱۳۶۳ ش، ج ۱، ص ۴۱۰.